

## آموزش تحلیل سیاسی / وظیفه رهبری چیست و سازوکار حکومتداری او چگونه است؟

اولا «مهمترین وظیفه رهبری در قانون اساسی، تنظیم سیاستهای کلی است» (۲۶/۰۹/۱۳۸۲) و ثانيا «وظیفه رهبری آنجایی است که احساس کند یک حرکتی دارد انجام می‌گیرد که این حرکت، مسیر نظام را دارد منحرف می‌کند. اینجا وظیفه رهبری است که بیاید در میدان و به هر شکلی که ممکن است بایستد و نگذارد؛ ولو مورد جزئی باشد.» (۱۲/۰۴/۱۳۹۵) انجام این دو وظیفه در صحنه عمل، از سویی منجر به هدایت کلی و ریل‌گذاری‌های کلان به سمت تحقق اهداف نظام می‌شود و از سویی دیگر، به رصد مسائل کشور و ورود هوشمندانه به عرصه‌های لازم می‌انجامد به نحوی که نه سازوکارها مخدوش شود، و نه کشور به بن‌بست برسد...

حمایت از کالای ایرانی  
**تابلساسی**  
انعکاس آخرین تحلیلهای و مواضع رسانه تابو جریانهها  
BASIRAT.IR

معاونت سیاسی نمایندگی ولی فقیه در سپاه / سال پنجم / شماره ۶۹۲ / چهارشنبه ۲۵ مهر ۱۳۹۷

### شرکای جهانی قتل خاشقجی

**جوان:** جمال خاشقجی که دستیار ترکی فیصل با چهره‌های رسانه‌ای است ربوده شده و این جعبه اسرار پادشاهی سعودی در حوزه سازمان‌های تروریستی و ربایش شاهزادگان سعودی، اکنون یا به دلیل مواضع ضدحکومتی یا ترس از برملا شدن اسرار سعودی، به یک رسوایی جدید برای این کشور تبدیل شده است. پرداختن و اهتمام به این مسئله از سوی ترکیه یا کشورهای غربی و محافل رسمی غرب به هیچ‌وجه جنبه انسانی ندارد، چراکه ترک‌ها، صدها خبرنگار را به بهانه ارتباط با گولن سرکوب و زندانی کرده‌اند و آمریکا و غرب هم، موتور اصلی کشتار و جنایات جنگی و جنگ‌افروزی در یمن و دیگر نقاط هستند که هیچ صدای اعتراضی از آن‌ها از زاویه انسانی دیده نمی‌شود. وقاحت دیپلماتیک امریکایی از زبان ترامپ بسیار روشن است، او صراحتاً می‌گوید قتل خاشقجی نباید بر قرارداد تسلیحاتی ۱۱۰ میلیاردی اثر بگذارد. یعنی آنچه مأموریت پمپئو در سفر به ریاض و سپس ترکیه را تشکیل می‌دهد، نوعی داستان‌سازی برای پایان دادن به رسوایی وحشیگری سعودی‌ها در ترکیه است و همین پروژه، بهانه‌ای برای دوشیدن جدید سعودی‌ها است. کشورهای اروپایی به ویژه انگلیس از این جهت که شبکه نفوذ و مزدوران‌شان در سعودی ضعیف شده‌اند و از چپاول ثروت سعودی، چیزی به دست نیاورده‌اند، ناراضی هستند. شعارهای شیک لیبرال دموکراسی غربی، در این بحران و رسوایی رنگ باخته‌اند و آنچه اهمیت دارد نه انسانیت است و نه آزادی و دموکراسی، بلکه دکانی است برای غارت ثروت در سعودی. ترکیه هم به دنبال اهرم فشاری است تا اوضاع اقتصادی خود را سامان دهد یا بهره‌ای استراتژیک کسب کند. ماجرا در یک مثلث ترکیه، سعودی و آمریکا مدیریت می‌شود و معامله نهایی در نوع فرمولی است که بین آن‌ها شکل خواهد گرفت، نه اینکه به یک مسئله انسانی و اصول اجتماعی و قواعد و ارزش‌های آن پاسخ داده شود. لیر ترکیه در این دو هفته بهبود یافته، ریال سعودی و بورس آن سقوط کرده و آمریکا و غرب در یک بحران حیثیتی هستند که این نظام وحشی در عربستان را حمایت می‌کنند. اسرائیلی‌ها که مواضع جالبی دارند، به وزنه تعادل در این بحران تبدیل شده‌اند، چراکه هرگونه مشکل برای محمد بن سلمان که روابط پنهان با اسرائیل را سامان داده، رؤیاهای آن‌ها را بر باد می‌دهد، لذا ترامپ هم دنبال مقصرتراشی فریبکارانه است تا محمد بن سلمان آسیب چندانی نبیند.

## بالا تر از سخن

**صبح نو:** تیرماه گذشته، رئیس‌جمهوری وعده داد که کابینه را ترمیم می‌کند تا دولت آرایشی تازه بگیرد در برابر هجمه اقتصادی آمریکا و مهار مشکلات معیشتی داخلی؛ از این وعده حدود چهارماه می‌گذرد و خبری از این تغییر نیست. دو، سه روز پیش نیز ایشان مجدداً با یادآوری تاریخی که تحریم‌های جدید اعمال خواهد شد، به مردم گفت که نگران نباشند؛ حال آنکه هم آقای روحانی و هم وزیر خارجه قبلاً چند باری تاکید کرده بودند که این مقطع زمانی اتفاق خاص نمی‌افتد چون آمریکا تمامی تیرهای ترکش خود را پرتاب کرده است و این گفتار جدید، مایه تعجب شد. با این همه، اطمینان دادن به مردم، لوازم و اقتضائاتی را می‌طلبد و از آن جمله داشتن تیمی سرپا، جنگنده و فعال است که لااقل چنین صورتی در بخشی از کابینه دیده نمی‌شود؛ درست است که کلام مقامات باید امیدآفرین باشد، اما این امیدآفرینی باید با مجموعه‌ای از تدابیر، فعالیت‌ها و اجرایی‌سازی سیاست‌ها همراه باشد، وگرنه شکل #گفتاردرمانی به خود می‌گیرد و اثر و کارکردی نخواهد داشت. قطعاً در این نقاط تاریخی نمادگذاری شده توسط دشمن، هیچ وضعیت بحرانی‌ای پیش‌روی کشور نیست، لکن توقع این است که دولت جمهوری اسلامی که بخش اصلی امور اداره اجرایی کشور را بر عهده دارد، عزم راسخ خود را به شکل عینی، ملموس و کارگشا در چهره مردم ظاهر کرده و به سخن بسنده نکند.

## ماجرای CFT و پاکستان

**فرهنگیان:** پاکستان از جمله کشورهایی به شمار می‌آید که با اجرای استانداردهای تعیین‌شده از سوی این نهاد تلاش زیادی به خرج داد تا از لیست سیاه خارج شود. تلاش‌های چندساله پاکستان اما ثمر چندانی نداشت و این کشور به‌رغم آنکه در سال‌های گذشته به تمامی خواسته‌های FATF عمل کرده، همچنان در لیست کشورهای با ریسک بالای اقتصادی قرار دارد؛ لیستی که مبادلات بانکی کشورهای حاضر در آن به هیچ روی وضعیت نرمال نداشته و عملاً برای آنها آتش همان آتش است و کاسه همان کاسه. سرنوشت پاکستان اما چشم‌انداز چندان روشنی را در مقابل ایران قرار نمی‌دهد و نگرانی‌ها بابت عدم تغییر جدی در وضع موجود را نیز تا حد زیادی تشدید می‌کند. علاوه بر آن واقعیت از این قرار است که ایران تنها در سال ۲۰۱۶ از اقدامات متقابل معاف و این تعلیق سه‌مرتب‌ه تمدید شده است و در چنین شرایطی اساساً خروج از لیست کشورهای دارای ریسک بالا و اقدامات تقابلی (همان لیست سیاه) مطرح نبوده و نیست. از این رو باید گفت طرح موضوع حضور ایران در فهرست خاکستری ادعایی خلاف واقع است. دکتر مجید شاکری، کارشناس اقتصاد سیاسی هم در این باره می‌گوید: «مردم تصور می‌کنند اگر تعهدات FATF کامل انجام شود، منجر به خروج نام ایران از لیست سیاه خواهد شد، اما این موضوع صحت ندارد.» شاکری توضیح می‌دهد: «در جایی گفته نشده که اگر تمامی تعهدات را اجرایی کنیم، اتوماتیک از بیانیه عمومی خارج می‌شویم، بلکه در بیانیه بوسان نوشته شده که بعد از انجام تعهدات اجرایی باید مجمع عمومی تصمیم‌گیری کند، که خوب این تصمیم می‌تواند نگه داشتن ایران در فهرست، انجام تعهدات بیشتر توسط ایران و... باشد.»

## اسدالله آخرین قربانی فرانکشتاین نیست

**کیهان:** ۲۰۰ سال پیش نویسنده انگلیسی «فرانکشتاین» را نوشت. داستانی مشهور که تاکنون اقتباس‌های سینمایی متعددی از آن انجام شده و نام آن وارد مدخل دایرةالمعارف‌ها نیز شده است. ماجرا درباره دانشمندی جوان و ماجراجو به نام فرانکشتاین است که محصول فعالیت‌های عجیب و غریبش، موجودی هولناک و هیولوار می‌شود. موجودی که از پیوند اندام مردگان ساخته شده و با نیروی الکتریکی جان می‌گیرد و زنده می‌شود. این موجود ترسناک از کنترل خالق خود نیز خارج شده و تبدیل به تهدیدی جدی برای فرانکشتاین جوان می‌شود تا جایی که از آن می‌گریزد. بعدها این هیولای خطرناک به نام خالق خود معروف شد. شواهد از مدت‌ها پیش آشکار شده بود. وقتی اواخر بهمن ماه سال گذشته آقای ظریف برای شرکت در کنفرانس امنیتی مونیخ، راهی آلمان شد و قرار بود از آنجا به مسکو سفر کند، فرودگاه مونیخ از تامین سوخت هواپیمای آقای ظریف و دیگر دیپلمات‌های کشورمان خودداری کرد. شرکت‌های سوخت‌رسانی مستقر در این فرودگاه به بهانه تحریم‌های آمریکا، از تامین سوخت سر باز زدند. ولفگانگ ایشینگر، رئیس کنفرانس امنیتی مونیخ گفت با زحمت و تلاش‌های زیاد بالاخره موفق به سوخت‌رسانی به هواپیمای ظریف شده و چیزی نمانده بوده که ماجرا تبدیل به یک آبروریزی دیپلماتیک شود. دقت کنید که این ماجرا حدود سه ماه پیش از خروج آمریکا از برجام رخ داده بود. زنگ‌ها به صدا در می‌آیند حتی اگر گوشی برای شنیدن وجود نداشته باشد. این روند از چند ماه پیش وارد مرحله‌ای جدید و خطرناک شده است. خردادماه دو دیپلمات کشورمان از هلند اخراج شدند. برخلاف رویه معمول دیپلماتیک، وزارت امور خارجه نه تنها دست به اقدام متقابل نزد بلکه حتی از رسانه‌ای کردن موضوع نیز امتناع کرد و صرفاً زمانی که دولت هلند ماجرا را برملا کرد، سفیر وقت این کشور در تهران احضار و مراتب اعتراض، ابلاغ شد. چیزی شبیه به اینکه کسی به شما دو سیلی بزند و شما در پاسخ به طرف بگویید؛ این کار خوبی نبود! واکنش ضعیف دولت به گستاخی دیپلماتیک هلند، همانطور که قابل پیش‌بینی بود، راه را برای اقدامات خصمانه دیگر باز کرد. اخراج چند هفته پیش یک دیپلمات ایرانی از فرانسه از جمله این اقدامات بود. در این میان قابل تامل‌ترین مورد مربوط به دستگیری دیپلماتی دیگر است. ۱۰۸ روز از بازداشت غیرقانونی آقای اسدالله اسدی دیپلمات کشورمان در اتریش، از سوی آلمان می‌گذرد. این دیپلمات کشورمان پس از ۱۰۰ روز بازداشت در آلمان، سه‌شنبه هفته گذشته تحویل بلژیک شده است. دستگیری یک دیپلمات با اتهامات واهی و اثبات نشده و بازجویی و بازداشت چند ماهه وی، بدعتی در روابط بین‌الملل است که سنگ بنای رویه‌ای خطرناک را در روابط کشورها و برخوردهای امنیتی با عناصر دیپلماتیک می‌گذارد. نقطه اصلی و تعیین کننده این ماجرا آنجاست که برخی کشورهای اروپایی سالهاست به پایگاه و پناهگاهی برای گروهک‌های تروریستی و تجزیه طلب تبدیل شده‌اند و عملاً به این گروهک‌ها سرویس‌های متنوعی ارائه می‌کنند. برخورد ضعیف دستگاه دیپلماسی کشور با این موضوع، کشورهای اروپایی را دچار توهم کرده و باعث شده عملاً جای بدهکار و طلبکار عوض شود. فرانسه، آلمان، هلند، انگلیس، دانمارک و چند کشور دیگر اروپایی به طور رسمی میزبان و حامی این گروهک‌ها هستند.

ضرب شست چینی ها به پرزیدنت مغرور!

**وطن امروز:** افزایش چشمگیر صادرات کشور چین به ایالات متحده آمریکا در سپتامبر [شهریور] امسال، بدترین خبر ممکن برای «دونالد ترامپ» و همراهانش در کاخ سفید محسوب می‌شود. بر اساس آنچه اداره گمرک چین اعلام کرده، صادرات این کشور به ایالات متحده در ماه سپتامبر امسال بالغ بر ۱۳ میلیارد و ۳۴ میلیون دلار بوده است که این رقم ۳ میلیارد دلار بیشتر از ماه قبل بوده است! فراتر از آمار مربوط به ماه سپتامبر، مازاد تجاری چین با آمریکا از شروع سال ۲۰۱۸ میلادی تاکنون، ۲۲۵ میلیارد و ۷۹ میلیون دلار بود، در حالی که این رقم، سال گذشته ۱۹۶ میلیارد دلار بوده است. این آمار در حالی منتشر می‌شود که ترامپ در جریان مبارزات انتخاباتی سال ۲۰۱۶ میلادی رسماً از پکن به عنوان اصلی‌ترین دشمن اقتصادی آمریکا یاد کرد و وعده داد در صورت ورود به کاخ سفید، صادرات چین به آمریکا را محدود کند. ترامپ اینگونه استدلال می‌کرد که ۳۴۶ میلیارد دلار از کسری تجاری آمریکا (از ۵۲۰ میلیارد دلار کسری تجاری سالانه) مربوط به چین است. از این رو واردات کالاهای چینی به ایالات متحده باید محدود شود تا کسری تجاری سالانه (حتی به قیمت کاهش تراز تجاری ۲ کشور) کاهش یابد. به عبارت بهتر، ترامپ وعده داد میان واردات و صادرات کالاهای چینی و آمریکایی نوعی توازن برقرار می‌کند که مطابق آن، شهروندان آمریکایی شاهد کسری تجاری ایالات متحده در حوزه تجارت بین‌الملل نباشند. با این حال به نظر می‌رسد ترامپ و اعضای خزانه‌داری ایالات متحده در چنین شرایطی «نبرد اقتصادی با چین» را به «نبرد حیثیتی» با این کشور تبدیل کنند. هر اندازه دولت ترامپ بیشتر در این گرداب فرو رود، دامنه و هزینه شکست و اشنگتن در برابر چینی‌ها افزایش بیشتری خواهد داشت. اخیراً دونالد ترامپ بار دیگر چین را نسبت به افزایش عوارض گمرکی تهدید کرده است؛ موضوعی که چینی‌ها کماکان با آن برخوردی منطقی و متقابل دارند. ظرفیت‌های بالقوه چین در نبرد تجاری با ایالات متحده آمریکا است. پکن حدود یک تریلیون دلار از بدهی‌های خارجی ایالات متحده را در تملک خود دارد. این خود می‌تواند به مثابه یک اهرم فشار قدرتمند در مقابل دولت ترامپ تعبیر شود.

